



محمد مهدی صفی | جوان

گزارشی از نمایشگاه عکس «۱۲روز ایران» که به همت مجمع جهانی صلح اسلامی برگزار شد

# ۱۲روز ایران در ۳۰۰ قاب

■ حجم عکس‌های این ۱۲روز شگفت‌انگیز است

دکتر مجید شاه‌حسینی، رئیس فرهنگستان هنر؛ این اولین دفاع مقدسی است که همه مردم ایران بالقوه می‌توانستند عکس باشند. یکی از حسرت‌های ما در دوره هشت ساله دفاع مقدس این بود که چرا در جاهایی که فضای بکری



شکل می‌گرفت، دوربین همراهان نبود، چون آن موقع گرفتن عکس مستلزم این بود که ابزار یا ادوات دوربین و لنز همراهت باشد تا گواهی از یک حماسه ثبت شود. از این زاویه دوره جنگ ۱۲روزه نخستین دفاع مقدسی است ولو کوتاه که احاد ایرانی‌ها بالقوه می‌توانستند عکس باشند و این اتفاق خیلی مهم است. این خصیصه اول این نمایشگاه است. می‌دانیم که عکاسی در ایران کاملاً سلطنتی متولد شد. دوربین اول به کاخ ناصرالدین شاه قاجار وارد شد و اگر مثلاً این پادشاه قاجار است. از طرفی اولین فیلمبرداری با یکی از اولین هافزندو او مظفرالدین است. می‌دانید این تولد درباری دوربین، اعم از دوربین عکاسی و فیلمبرداری موجب شد سال‌ها میان عکس، فیلم و زندگی مردم فاصله زیادی ایجاد شود، به عبارت دیگر دوربین از واقعیت تاریخی مردم خبر نداشت. قاب‌های نخستین موجود عکس در ایران، خواتین حرمسرا هستند که در آن سوی خلوت حرمسرا گرفته شده، این وسط اگر عکسی از مردم هست، عمدتاً مربوط به مستشرقین فرنگی است که گوری به ایران داشتند و عکس‌هایی گرفته‌اند. همین فیلم‌های اول هم فیلم‌های مظفرالدین شاه است که شخص شاه رجیستر بوده و باز از حرمسرا و قاعدتاً غلام بچه‌ها گرفته شده است. لاجرم وقتی مادر متن دو جنگ جهانی اول و دوم قرار می‌گیریم، دوربینی که سمت مردم ایران بایستد، غایب بزرگ است. میلیون‌ها ایرانی طبق ادعای دکتر محمدقلی مجد در کتاب «قطعی بزرگ» در جنگ جهانی اول فوت می‌کنند، به قولی نیمی از جمعیت کشور ولی عکس‌ها و شواهد تاریخی یا فیلم‌های آن فاجعه کجاست؟ آن موقع در ایران دوربین فیلمبرداری بوده، ولی شما عکس و فیلمی از این فاجعه که بر سر مردم ایران نازل شده است، ندارید تقریباً ۲۰سال بعد از این تاریخ وقتی در جنگ جهانی دولت‌های ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کردند و کشور جبرا و قهرا از سوی بیگانگان اشغال شد، باز دوربین غایب بزرگ است. آن موقع سینما داریم، عکاسی داریم ولی چند فریم عکس و چند متن فیلم - واحد فیلم آن موقع هاتر بوده - از ایرانی و فیلمبرداری ایرانی مانده که چه بر سر این سرزمین گذشت، اما اولین باری که ایرانی‌ها توانستند با دوربین و از منظر خود حریت ایرانی را در قاب دوربین نشان دهند، دوران هشت ساله دفاع مقدس بود. ترکیبی از عکاس، فیلمبرداری و شهدای راوینگر، امثال اوینی‌ها و شاگردان شهید اوینی حماسه دفاع را تصویر کردند اما بعد از آن دوران، در این دفاع مقدس ۱۲روزه اتفاق عجیبی در تاریخ ایرانی‌ها رقم خورد. حجم عکس‌هایی که از این ۱۲روز مانده شگفت‌انگیز است و می‌طلبد این نوع نمایشگاه‌ها در قالب فراخوان‌های مردمی بارها تکرار شود و قاب‌های مردمی حساس ۱۲روزه را روایت کند. اگر در گذشته ما این امکانات و این حجم دوربین و عکاس مردمی وجود داشت، اکنون گنجینه‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی ایران داشتیم، در حالی که امروز فقط عکس عکاسان حرفه‌ای با بعضی از خبرنگاران غربی در آرشوها موجود است. خواش من این است که بر مؤلفه مردمی بودن عکس‌ها و تصویرهایی که گرفته می‌شود، دقت شود و مردم راویان حماسه باشند.

میکروالکترونیک، تراشه و امثال آن هستند و چه بسا در آینده ما با ابعاد دیگری از جنگ‌ها، از جمله جنگ کوانتومی روبه‌رو باشیم. یادتان است وقتی صبح روز حمله رژیم اسرائیل از خواب بلند شدیم، دیدیم دانشمندان ما شهید شدند؟ یادتان است باخبر شدیم فرماندهان ارشد ما شهید شدند؟ چقدر مردم ما در آن لحظه حالت خاصی پیدا کردند اما بعد از آن حوادث، با پیام امیدبخش رهبری رزمندگان ما آمدند و شجاعانه و عالمانه در مقابل این جنگ ایستادند. این تلاش‌ها، فداکاری‌ها و در رأس همه آنها وجود رهبری حکیم شجاع و مقتدر که بدون ذراهی لغزش و لرزه با اقتدار و شجاعت آمدند و فرمودند: پایان جنگ دیگر دست شما نخواهد بود، به مردم امید و همدلی و فراق و به رزمندگان نشاط دادند. در پایان سخنان خود این را هم بگویم که نقش کم‌نظیر دولت را هم در این ۱۲روز فراموش نکنیم. انصافاً مجموعه‌های حاکمیت، وزارت بهداشت، هلال احمر و آتش‌نشانی واقعا شایسته‌روزی تلاش کردند خللی در معیشت، بهداشت و خدمات رسانی به مردم پیش نیاید. میلیون‌ها نفر به سه استان شمالی کشور رفته بودند. خب این حجم از جمعیت امکانات نیاز داشتند و تلاش فراوان دولت اجازه نداد رشته امور بگسلد. همه این رویدادها باید به شکل درست و هنرمندانه روایتگری شود. اگر ما این دو چهره رویداد یعنی چهره شوم دشمن را در کنار چهره اقتدار ملت درست نشان دهیم، قطعاً در حافظه تاریخ ما ثبت خواهد شد. بدانییم که این ادراک و شناخت در جان این ملت تثبیت می‌شود، البته شعار ما همیشه صلح مقتدرانه است. ما به هیچ وجه دنبال جنگ نیستیم و نخواهیم بود ولی هر کشوری بخواهد به ایران عزیزان، این روایتگری، این تصاویر و عکاسان عزیزی که یعنی ملت این کار را خواهد کرد، بنابراین این کار از زنده عزیزان، این روایتگری، این تصاویر و عکاسان عزیزی که دست تک‌تکشان را می‌بوسم، این زحمات عزیزان کمتر از رشادت‌های رزمندگان در دوران جنگ نیست، چون این جنگ هم جنگی سنگین و نابرابر است، چون رسانه دست دشمن است و این کار عظیم عزیزان می‌تواند در ایجاد جهانی اثر گذار باشد، به شرطی که دیپلماسی فرهنگی را دنبال کنید. سازمان فرهنگ و ارتباطات کارهای بزرگی در این باره انجام داده و خواهد داد. با این روایتگری می‌توان ذهن و جان جهانیان را نسبت به ایران قهرمان و تمدن‌ساز تقویت کرد و آن‌ها الله را این روایتگری بخشی از تمدن نوین اسلامی ما خواهد بود.

برای او فرقی دارد که این بمب بر سر کودک می‌افتد یا زن، مرد، کهنسال یا میانسال؟ کم‌البتکه در این جنگ تحمیلی دیدیم به کودکان دو، سه ماهه هم رحم نکردند، به پیران و جوانان هم رحم نکردند. گاهی اوقات به بهانه ترور یک شخصیت، ۵۰-۴۰ نفر از مردم را به شهادت رساندند. بعضی جاها اصلاً شخصیتی از شخصیت‌های دانشمندان ما فرماندهان نظامی نبود، در میدان تجریش که خبری نبود ولی آنجا بازاریان و عابریان را به شهادت رساندند. در جنگ شناختی هم فقط این نیست که بگویم ذهن نوجوان و جوان را هدف قرار دادند و با بقیه اقرار کاری ندارند. حالا عده‌ای وسط این جنگ ترکیبی و پیچیده در بیانه‌های‌شان مدعی شده‌اند ما نیازمند تغییر پارادایم هستیم. منظور آنها از تغییر پارادایم این است که بیابیم بگویم آمریکا و اسرائیل اصلاً این مملکت مال شماست، هر بلایی خواسید سر این کشور بیایورید، مگر قطر زلفت پارادایم خود را تغییر بدهد. آنها این تغییر را دادند. مگر قطر زمین خود را در اختیار پایگاه‌های امریکایی قرار نداد؟ خب شما که دیدید همین اسرائیل چه بلایی سر قطر آورد و اینکه قطر زمین خود را در اختیار پایگاه‌های امریکا قرار داده ولی رسماً به این کشور حمله شد. حالا چطور عده‌ای که بعضی از آنها سابقه انقلابی‌گری هم دارند و بعضی از آنها لانه جاسوسی را تسخیر کردند، اکنون بیانیه می‌دهند و عملاً در همان خطوطی حرکت می‌کنند که دشمن می‌خواهد. این همان جنگ شناختی است که تو پاور را نسبت به میهن از دست می‌دهی. در این میان کارکرد نمایشگاه‌هایی مثل همین نمایشگاه‌ها در این است که ما به واسطه همین تصاویر، بربریت و وحشی‌گری موجود در پوشش مدرنیته را نشان دهیم که به دروغ دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از نهادهای بین‌المللی می‌زنند، از کشورها پول می‌گیرند، حق اشتراک می‌گیرند که از حقوق‌شان دفاع کنند ولی وسط چنین جنایت‌هایی در برابر این همه ظلم، ساکت، کور، کر و لال هستند، آن هم وقتی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم عامل اول همین جنگ اخیر از آنس بین‌المللی هسته‌ای بود. آن وقت این از آنس بین‌المللی هسته‌ایست؟ در تعداد زیادی بمب اتم دارد و به هیچ تعهد بین‌المللی وفادار نیست، رها کرده و ایرانی را محکوم می‌کند که عضوان سازمان است و اجازه بازرسی از تأسیسات خود را به آن داده است. این حقایق و واقعیت‌ها باید در جنگ روایت‌ها در کتاب‌های درسی ذکر شود. ما باید نشان دهیم این الگوی استکبار و استعمار جهانی تکرارپذیر است و هر زمان خود را بازسازی می‌کند اما ماهیت آن یکی است. مگر همین‌ها در جنگ جهانی اول جنایت نکردند؟ مگر انگلیس در جنگ جهانی اول در خوزستان یا شیخ خزعل وحدت و پیمان نیست و در آنجا ۷۰۰نفر از عشایر عرب را تیرباران نکرد؟ مگر در جریان جنگ جهانی اول و دوم نیامدند و قطعی در ایران درست نکردند؟ ما ایرانی‌ها نباید گرفتار غفلت تاریخی شویم و این حقایق را از حافظه جمعی خود برداییم. این چهره واقعی تمدن غرب باید در این جنگ روایت‌ها نشان داده شود، البته در کنار این چهره، مردم قهرمان و مبارز ایران دست به دست هم ایستادند و در مقابل رژیم‌صهیونیستی چنان مشتتی به این رژیم منحوس و پلید زدند که ناچار شد عقب‌نشینی کند. روی دیگر این جنگ، دانشمندان و رزمندگان گامگام ما هستند که در همین فضای جنگ ۱۲روزه حماسه‌ها می‌آفرینند. وقتی در همان شب حمله پدافند‌های ما را هک کردند، رزمندگان دانشمندان ما توانستند به سرعت توان پدافند ما را بازسازی کنند. امروز دیگر جنگ‌ها مثل گذشته نیست و رزمنده‌های امروز، دانشمندان مادر عرصه‌های مختلف علمی ذر شوموعی

■ نیازمند خلق روایت‌های جدید در جهان هستیم

دکتر داود عامری، دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی: امروز به بهانه برگزاری نمایشگاه عکس ۱۲روز ایران در کنار هم جمع شده‌ایم که بگویم جنگ روایت‌های می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت ما باشد و به اندازه‌ای



که اهمیت دارد، باید جدی گرفته شود. امروز ما نمایشگاه عکس ۱۲روز ایران را افتتاح می‌کنیم که بگویم در جهان امروز به واسطه تسلط بر فناوری‌ها، نرم‌افزارها و روایت‌ها جای حق و باطل را جابه‌جا می‌کنند و این ما هستیم که قالب رفتارهای نوع‌دوستانه به ظهور برسد، در صورتی که چنین رفتارهایی در روزهای عادی سسال و وسط روزمرگی‌های معمول که همه به دنبال منافع خود می‌دوند، کمتر قابل مشاهده است. تصاویر کودکان شهید از غمبارترین تصاویر این نمایشگاه است که به قلب مخاطب جنگ می‌اندازد، یادآور آن آیه شریفه که بای ذنب قتل/ به کدامین گناه کشته شدند؟ تصویر از شهید سیدعلی ساداتی، کودک بسیار زیبارویی که در بمباران جنگنده‌های رژیم‌صهیونیستی به شهادت رسید از یک منظر بازتاب‌دهنده عمق زیبایی و معصومیت دفاع ایران در جنگی به شدت نابرابر و ظالمانه است. در تصویر دیگری اعضای یک خانواده بعد از آنکه معلوم می‌شود عزیزی را از میان خود از دست داده‌اند، در مصیبت فقدان او همدیگر را به آغوش کشیده‌اند. دست‌های آنها روی شانه‌های همدیگر قرار گرفته است، طوری که انگار بخواهند غم را در میان خود تقسیم کنند. هفته گذشته با تلاش مجمع جهانی صلح اسلامی و با حضور حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب اسلامی، دکتر مجید شاه‌حسینی رئیس فرهنگستان هنر و دکتر داود عامری دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی و جمیع دیگری از شخصیت‌های فرهنگی و هنری از نمایشگاه عکس ۱۲روز ایران رونمایی شد. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از بیانات سخنران‌های آیین افتتاح این نمایشگاه است.

■ در جنگ روایت، همه اقشار را هدف قرار داده‌اند

حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۷هزار عکس به نمایشگاه ۱۲روز ایران ارسال و از بین آنها ۳۰۰عکس از سوی مجمع جهانی صلح اسلامی، فرهنگستان هنر و مؤسسه صبا



به نمایش گذاشته شده است. این فعالیت وسط جنگ شناختی که یکی از مصادیق آن جنگ روایت‌هاست بسیار معنادار است. در فهم خود از جنگ شناختی دقت کنیم که اینجا شناخت، ترجمه knowledge نیست بلکه به معنای بینش، منش و نگرش است. در واقع دشمن در تهاجم فرهنگی و جنگ شناختی از طریق همین نگرش و بینش می‌خواهد فضای ذهنی و معرفتی افراد اعم از نوجوان، جوان، زن، کودک، میانسال و پیر را تغییر دهد. جنگ شناختی، جوان و پیر نمی‌شناسد. مگر در جنگ نظامی وقتی دشمن موشک می‌زند، وقتی بمب می‌ریزد،

در پیچه اتحاد و همدلی، زیباترین خصال اخلاقی را که در این ۱۲روزه تجلی پیدا کرد به تصویر بکشند. همچنان که در آن ۱۲روز می‌شنیدیم که مثلاً مردی با هزینه و ابتکار شخصی خود به خودروهایی که در صف بنزین ایستاده بودند، آب خنک می‌داده است، در یکی از تصاویرهای این نمایشگاه هم خانمی را می‌بینیم که سبد خرید فروشگاه را پر از بطری‌های آب معدنی کرده و بین افراد تقسیم می‌کند.

در واقع در روایت عکاسان از جنگ بر این نظرگاه درست تأکید می‌شود که اگر چه جنگ، چهرای سیاه و کریه دارد اما همه آنچه در جنگ روی می‌دهد در این چهره خلاصه نمی‌شود، به خاطر اینکه همین جنگ باعث می‌شود خوی انسانی و عاطفی بسیاری از آدم‌ها در قالب رفتارهای نوع‌دوستانه به ظهور برسد، در صورتی که چنین رفتارهایی در روزهای عادی سسال و وسط روزمرگی‌های معمول که همه به دنبال منافع خود می‌دوند، کمتر قابل مشاهده است.

تصاویر کودکان شهید از غمبارترین تصاویر این نمایشگاه است که به قلب مخاطب جنگ می‌اندازد، یادآور آن آیه شریفه که بای ذنب قتل/ به کدامین گناه کشته شدند؟

تصویری از شهید سیدعلی ساداتی، کودک بسیار زیبارویی که در بمباران جنگنده‌های رژیم‌صهیونیستی به شهادت رسید از یک منظر بازتاب‌دهنده عمق زیبایی و معصومیت دفاع ایران در جنگی به شدت نابرابر و ظالمانه است.

در تصویر دیگری اعضای یک خانواده بعد از آنکه معلوم می‌شود عزیزی را از میان خود از دست داده‌اند، در مصیبت فقدان او همدیگر را به آغوش کشیده‌اند. دست‌های آنها روی شانه‌های همدیگر قرار گرفته است، طوری که انگار بخواهند غم را در میان خود تقسیم کنند.

هفته گذشته با تلاش مجمع جهانی صلح اسلامی و با حضور حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب اسلامی، دکتر مجید شاه‌حسینی رئیس فرهنگستان هنر و دکتر داود عامری دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی و جمیع دیگری از شخصیت‌های فرهنگی و هنری از نمایشگاه عکس ۱۲روز ایران رونمایی شد.

آنچه در ادامه می‌آید بخشی از بیانات سخنران‌های آیین افتتاح این نمایشگاه است.

■ گزارش حسن فرامرزی

«نمایشگاه عکس ۱۲روز ایران» همچنان که انتظار می‌رود بوی حماسه، خون، غم، اشک و غرور را دارد. عکاسان در عکس‌های خود کوشیده‌اند از دریچه لنز محدود خود زوایایی از آنچه را که در جنگ تحمیلی ۱۲روزه بر مردم ایران رقت به تصویر بکشند؛ عکس‌هایی که تخریب منازل را نشان می‌دهد، آوار سنگینی که بر وسایل خانه‌ها ریخته شده است.

■ ■ ■

در برخی عکس‌ها عکاسان از المان عروسک برای القای معصومیت و مظلومیت این دفاع استفاده کرده‌اند. تصویر عروسک‌های بچه‌ها در کنار آوارها دیده می‌شود. در تصویرهای زیادی عکاسان خود را به تشییع پیکرهای شهدای غیرنظامی رسانده‌اند و رنج جانکاه آدم‌هایی که به خاطر فضای جنگ، عزیزان خود را از دست داده‌اند، منعکس کرده‌اند. این تصویرها به شدت تلخ است. در تصاویر دیگر جمعیت انبوهی را می‌بینیم که برای تشییع پیکرهای سرداران شهید در میدان انقلاب تهران و خیابان‌های اطراف گرد آمده‌اند.

کافی است به حافظه خود رجوع کنیم و متوجه شویم که این جمعیت در چه روزهای ملتحمی جان خود را کف دست گذاشته بودند و با آنکه می‌دانستند با چه رژیمی نحسی که به هیچ قاعده اخلاقی پایبند نیست، طرف هستند، کنار هم جمع شده بودند تا حسن قدرتی خود را از سربازان وطن ابراز کنند.

در برخی عکس‌ها که عکاسان در این نمایشگاه به تصویر کشیده‌اند، برج میلاد به عنوان نماد شهری و ایستادگی در کنار انفجارها، تخریب‌ها و آوارها دیده می‌شود. مثلاً در یکی از عکس‌ها هم‌زمان با انفجاری که در کوه‌های شمال تهران روی داده، برج میلاد را می‌بینیم که با صلابت قد برافراشته و همچنان بر سر جای خود پابرجاست.

یکی از زیباترین عکس‌های این نمایشگاه به سوگواری و تشییع پیکر شهدا از سوی زنان ترکمن اختصاص دارد که نشان می‌دهد ایران چه گنجینه‌ای از فرهنگ و تنوع اقوام و آیین‌ها را دارد. لباس‌های رنگی محلی که این زنان وسط سوگواری و اشک و آه خود پوشیده‌اند تجانس زیبایی را ایجاد کرده است.

ما رنگ سوگ و مصیبت را سیاه می‌بینیم و به یک معنا همین است. کسی مدافع جنگ و ویرانی نیست اما وقتی قرار است همین جنگ را از زاویه دفاع و حماسه ببینیم آن لباس‌های رنگی و شاد و زیبا وسط سوگ، اندوه، اشک و آه معنای خود را باز می‌یابد.

در یکی از عکس‌ها با اسب‌بری روی دیوار تخریب شده نوشته شده است: تا آخر باهم هستیم. در بسیاری از عکس‌ها از فرهنگ عاشورایی به عنوان نمادی از ایستادگی مردم ایران استفاده شده است. می‌دانیم که آخرین روزهای دفاع ۱۲روزه ملت ایران در برابر تجاوز وحشیانه رژیم‌صهیونیستی مصادف با آغاز ماه محرم بود و به این مناسبت شهر با نصب پرچم‌ها، علم‌ها و نمادهای عاشورایی به استقبال ماه حماسه و خون رفته بود و به این مناسبت عکاسان از نمادهای پرچم‌های عاشورایی برای به تصویر کشیدن مظلومیت و مقاومت مشروع مردم ایران در برابر این تجاوز بهره بردند. مثلاً در یکی از عکس‌ها سقف خودروی حامل پیکر شهید به این جمله که «لرآن حسین تاباید پیروز است» مزین شده است؛ تصویری که بازتاب‌دهنده دوبعد به هم پیوسته دفاع مشروع یعنی حماسه و اندوه است.

عکاسان در این نمایشگاه کوشیده‌اند به وسیع خود از

